

Pier Maria Rosso di san Secondo

نویسنده پرده برداری

تن کرده است. موقعیت فراهم آمده سبب می‌گردد که بانو بلوفاکس و مرد سوگوار بسوی یکدیگر جلب شده با امید به اینکه زندگی تازه‌ای را با هم شروع کنند. در این میان مرد خاکستری‌پوش با سخنان خود سعی می‌کند آن دو را متوجه این امر نماید که تلاش آنها برای ایجاد چیزی بنام خوشبختی توهمی بیش نیست. با این وجود هنگامیکه او نیز نسبت به یک بانوی آوازه‌خوان احساس عشق می‌کند خودش هم دستخوش همان توهمات می‌گردد. شب هنگام آنها در رستورانی ضیافت کوچکی برپا می‌کنند و به سلامتی خود و همسران غایبشان باده‌گساری می‌کنند. بصورتی غیرمترقبه شوهر بانو بلوفاکس ظاهر می‌شود و همسرش را با خود می‌برد. مرد. خاکستری‌پوش در حالیکه احساس می‌کند عشق خود را از دست داده در حالی از ناامیدی خود را مسموم می‌کند و در پایان مرد سوگوار ملتسمانه از بانوی آوازه‌خوان مستنت می‌طلبد تا برای ادامه زندگی به او کمک کند. نمایشنامه زیبای خفته (۱۲) ۱۹۱۹، اثر دیگر این نویسنده بواقع یک فانتزی شاعرانه است با فضائی کاملاً سرخوش و دزکی روانشناسانه، شخصیت مرکزی نمایش فاحشه‌ای است که در حقیقت تجسم عشق و کاریکاتوروری از عشق است او خود را به تمام کسانی که زیباییش را تجلیل می‌کنند می‌فروشد، اما توسط مردی که موفق به بیدار کردن احساساتش گردید بالاخره نجات می‌یابد. در نظر نویسنده این زن مبین زیبایی است که توسط انسان مورد خیانت قرار می‌گیرد و بالاخره توسط یک ناجی به رهایی می‌رسد. در نمایشنامه سنگ و بناهای یادبود (۱۳) ۱۹۲۳ داستان بظاهر ملاقات پروتو (۱۴) قهرمان جنگ با ایزابلا معشوق پیشینش که حالا با یک مرد نابینا ازدواج کرده و عمیقاً نسبت به وی وفادار است را توصیف می‌کند.

در نگاهی عمیقتر نمایشنامه برخورد سمبولیک انسانی غریزی و بی‌توجه به روابط اخلاقی (پروتو، سنگی که روی آن کار نشده است) با شخصیت اخلاق‌گرائی که از طریق پذیرش ارزشهای تمدن تصفیه شده است (بناهای یادبود) را هنرمندانه تصویر می‌کند. یکی از نمایشنامه‌های روسو که از اهمیت درخوری برخوردار است ماجرای زمینی (۱۶) ۱۹۲۴ نام دارد در این اثر او موفق به خلق شخصیت توانمندی بنام آلساندر (۱۷) می‌شود، یک زن روس که روگیرور (۱۸) تا سرزمین بومی خود سیسیل دنبال می‌کند و در آنجا در فضائی سرشار از بدویت جنوبی آرامشی نسبی را برای روح پراشوب شمالی خود بدست می‌آورد. شخصیت یک زن در خور ترجمه هم در نمایشنامه پلکان (۱۹) ۱۹۲۵ بخوبی تصویر گردیده. کلوتید (۲۰) شخصیت اصلی این نمایشنامه تراژدی از جانب شوهرش به بیوفائی متهم گردیده و به همین لحاظ بصورتی محبوس بسر می‌برد. در این حال تنها امید کلوتید برای ادامه زندگی دیدار دوباره دخترش است. او از این واقعیت بی‌خبر است که فرزندش مرده است و شوهرش با روحیه‌ای انتقام‌جویانه توهم او را ادامه می‌دهد.

ترکیب سمبول با واقعیت در نمایشنامه‌های دیگر روسو همچون روزهای سگی (۲۱) ۱۹۲۵، تب (۲۲) ۱۹۲۶، در بین لباسهایی که می‌رقصند (۲۳) ۱۹۲۶ و پرده برداری (۲۴) نیز دیده می‌شود. نمایشنامه تجاوز به پرسفون (۱۹۵۴)، آخرین نمایشنامه روسو نیز یک فانتزی شاعرانه و اثری نمایشی ناب است که تفکر و مهارت نویسنده‌اش را نشان می‌دهد. روسودی سان سگوندورا محققین در زمره خیالپردازترین و با استعدادترین

پیرمار یاروسو دی سان سگوندو، روزنامه‌نگار، نویسنده داستانهای کوتاه و نمایشنامه‌نویس ایتالیایی در سی‌ام نوامبر ۱۸۸۷ در کالتانیستا (۱) واقع در سیسیل بدنیا آمد. او نخستین فرزند از پنج پسر یک خانواده صاحب نام سیسیلی بود که پس از پایان رساندن دوره تحصیل ابتدائی و متوسطه وارد دانشگاه رم شد و در رشته حقوق تحصیلات خود را ادامه داد. در ایام دانشجویی شروع به نوشتن داستانهای کوتاه و نمایشنامه کرد. نخستین نمایشنامه‌ای که نگاشت با نام پری دریائی (۲) دوباره آواز می‌خواند، ۱۹۰۸ - ۰۸ م. بعدها مفقود شد و از کم و کیف آن اطلاع روشنی در دست نیست. پس از آن یک مجموعه از داستانهای کوتاهش را با نام چشم‌بسته را در سال ۱۹۱۱ کامل کرد. به هنگام اقامت موقتش در رم به دیدار لوئیجی پیر آندللو (۳) رفت و چند نمونه از نوشته‌هایش را برای مطالعه و راهنمایی به استاد داد، او نیز آنها را خواند و ضمن راهنمایی روسو را به ادامه فعالیت‌های ادبی تشویق کرد. در ستین بیست سالگی موفق شد در کشورهای اروپائی به سفر بپردازد. سرانجام در هلند مستقر شد و برای مدت دو سال در آنجا ماند. ره‌آورد مسافرت‌هایش یک سری داستان برجسته تحت عنوان مرثیه‌هایی برای ماریک (۵) (۱۹۱۴) بود که در نشریه لیریکا (۶) فصلنامه‌ای که در رم انتشار می‌یافت بچاپ رسید. بعد از جنگ جهانی اول یعنی در آن زمان که روسو در ارتش به خدمت مشغول بود به گروه تحریریه نشریه Idea Nazionale پیوست و بعدها سردبیر Messaggero della Domenica هفته‌نامه ادبی تحت نظارت پیر آندللو که تا آن زمان روسو با او دوستی نزدیک داشت را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۱۸ با نمایشنامه، مروسکهای خیمه‌شپه‌بازی، چه احساسی (۷)، ناگهان درهای شهرت برویش گشوده شد. این نمایشنامه گروتسک (۸) سه شخصیت را بر حسب تضادف کنار هم قرار می‌دهد. آنها به تلگرافخانه آمده‌اند و تصمیم دارند تلگراف مهمی را مخابره نمایند، یکی از آنها که به عنوان مرد خاکستری (۹) پوشش معرفی می‌شود از عذابی درونی رنج می‌برد، دومی بانو بلوفاکس (۱۰) شوهرش را که نسبت به او اهانت و بدرفتاری نموده ترک کرده است و سومی «مرد سوگوار اعتراف می‌کند بخاطر اینکه زنش همراه با مردی که به او اظهار عشق نموده و با هم فرار کرده‌اند لباس سیاه به

دومین شماره

صد عکس

صد خاطره، صد هنرمند

مجموعه‌ای

از خاطرات شیرین و جذاب

به همراه عکسهای

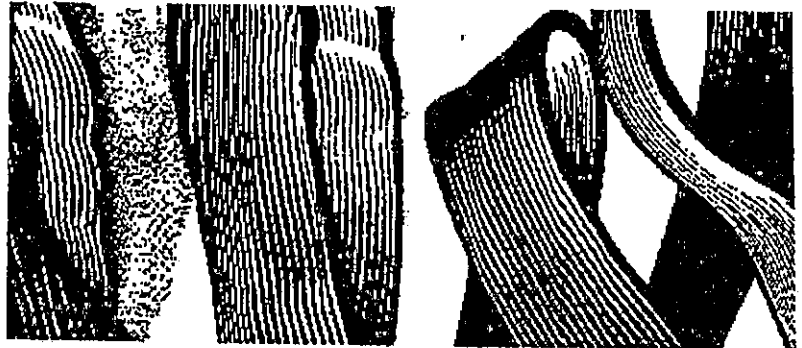
اختصاصی از هنرمندان

سینما و تئاتر

یزودی

منتشر می‌شود

سی‌سی‌امه‌نویسان ایتالیای قرن بیستم می‌دانند که در بیش از سی نمایشنامه بینش مشخصاً خاص خود را به نمایش درآورده و آثارش جایی میان تجربه‌های پیرندللو و سمبولیسم گسترده گروتسک قرار دارد و در سال ۱۹۲۴ جایزه آکادمی ایتالیا به او تعلق گرفت این جایزه او را قادر ساخت خانه‌ای در لیدودی کاماپور (۲۶) ایتالیای امپد. در آنجا تا شروع جنگ جهانی دوم با همسر آلمانی الاصل خود اینگر دللیچ (۲۷) زندگی کرد بعد از جنگ دوم جهانی به عنوان منتقد تئاتر نشریه ژورنال دایتالیا (۲۸) به رم بازگشت. در سال ۱۹۵۴ جایزه ملیومن (۲۹)، بخاطر آخرین نمایشنامه‌اش تجاوز به پرسفون به او تعلق گرفت. او در بیست و دوم نوامبر ۱۹۵۶ در لیدودی کاماپور در سن ۶۹ سالگی چشم از جهان فرو بست.



پانویس

- 1- Caltanissetta
- 2- The siren sing Again
- 3- The Shut Eye

۴- لوئیجی پیراندلو Luigi pirand ello ، نمایشنامه‌نویس ایتالیایی.

- 5- Elegies to Marike
- 6- Lirica
- 7- Marionettes, what. passion

۸- گروتسک Grottesque، در ادبیات و هر نگرشی است که به بیان ساده تجلی این جهان پریشان و از خود بیگانه است. یعنی دیدن دنیایی آشناست از چشم‌اندازی که آن را پس عجیب می‌نمایاند و این عجیب بودن ممکن است آنرا مضحک یا ترسناک جلوه دهد یا هم زمان هر دو این کیفیت‌ها را بدان پیخشد. بارزترین خصیصه‌های آن، خیالپردازی، دهشت‌زائی، نوعی فانتزی مسخره، ناهماهنگی خنده‌آور و خوفناک بودن، انراط و اغراق است. گروتسک را میتوان دریچه‌ای تازه برای تماشای دنیا دانست بی‌آنکه به حقیقت آن (دنیا) لطمه‌یی وارد آید. یعنی عمل گروتسک آن است که برای تماشای دنیای حقیقی اطرافمان دیدی تازه بما می‌دهد. دیدی که هر چند عجیب و اضطراب‌آور می‌نماید واقعی و معتبر است. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب گروتسک در ادبیات، فیلیپ تامپسون ترجمه شلامرضا امامی، شیراز نشر شیوا ۱۳۶۹.

- 9- The Man in Gray
- 10- The Iady in Blue fsox
- 11- Teh Man in Nourning
- 12- The Sleeping Beauty
- 13- Stone and Monuments
- 14- Brunetto
- 15- Isabella
- 16- The Terrestrial Adventure
- 17- Alessandra
- 18- Ruggiero
- 19- The Stairvase
- 20- Clotilde
- 21- Dog Days
- 22- Fever
- 23- Among Clothes That Dance
- 24- Unveiling
- 25- The Rape Of Persephone
- 26- Lido di Camaiore
- 27- Inge Redlich
- 28- Gioinale d' Italia
- 29- Melpomene

منابع

- 1- World Drama McGraw. Hill, Encyclopediar Vol 3,